

اگر منتظر خبرنامه کاغذی دانشجویان ایران هستید، اگر از دیدن ما ناراحت هستید، اگر می خواهید خبری را به گوش دانشجویان سراسر کشور برسانید، اگر انتقاد و پیشنهاد دارید و اگر موبایلتان شارژ داشت و حال هم داشتید، به این شماره پیامک بزنید: ۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰

با مجوز شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی به شماره ۸۱/۲۴۷۱۸۰ جهت توزیع در دانشگاه های سراسر کشور



علی عبدی

دبیر سیاسی سابق اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل

در تاریخ ماندگار شدن مهم نیست، چگونه ماندگار شدن مهم است

سال های سال بود که کم تر نامی از جبهه ملی و نهضت آزادی، و رهبران آن ها یعنی دکتر مصدق و مهندس بازرگان در رسانه ها مطرح می شد. اما در دو سال اخیر و باروی کار آمدن دولت یازدهم، شاید هفته یا ماهی نباشد که نامی از این افراد در جراید و رسانه‌ها برده نشود. گاهی مقامات دولتی از آن ها یاد می کنند و گاهی هم عکسشان در کنار عکس همین دولتی ها می شود تیتیر یک مجله ها و روزنامه ها. از روزنامه های زنجیره ای گرفته تا برخی دانشجوها تلاش می کنند وجه تشابهی بین سران این دو حزب و برخی سیاسیون، خصوصاً جناب آقای دکتر ظریف بیابند، حتی اگر این وجه تشابه، عکس گرفتن باحال نزار و استراحت در بستر بیماری باشد.

اما به نظر می رسد در این زنده کردن مردگان سیاسی و برقراری وجه تشابه مابین آن ها و برخی مسئولین دولتی، آن هم در این حجم وسیع، هدفی مهم نهفته است. تحلیل تمامی ابعاد این پروژه عمیق، گرچه مهم است و درخور تأمل، اما در این نوشته محل بحث نیست. این نوشته ۳هدف را دنبال می کند: ۱-دکتر مصدق و مهندس بازرگان نسبت به دین، ایران و مردم نگرشی داشتند؟ ۲-نسبت معمار کبیر انقلاب با نگرش های این افراد چگونه بود؟ (بررسی این مسئله بسیار مهم است، زیرا رسانه ها و افرادی که تلاش می کنند از مصدق و بازرگان بت سازی کرده و با شبیه جلوه دادن افراد و جریانات سیاسی مطلوب خود به آن ها، از این افراد و جریانات اسطوره بسازند، خود را یار دیرین امام(ره) و خط امامی نیز معرفی می کنند، پس بررسی نگاه امام(ره) به این دو نفر می تواند پرده از نیت این جریانات بردارد) ۳-نتایج نگرش های انتزاعی و تفکرات مصدق و بازرگان، در میدان عمل چه شد؟

• بخش اول (نگاه دکتر مصدق و مهندس بازرگان به دین، ایران و ملت ایران)

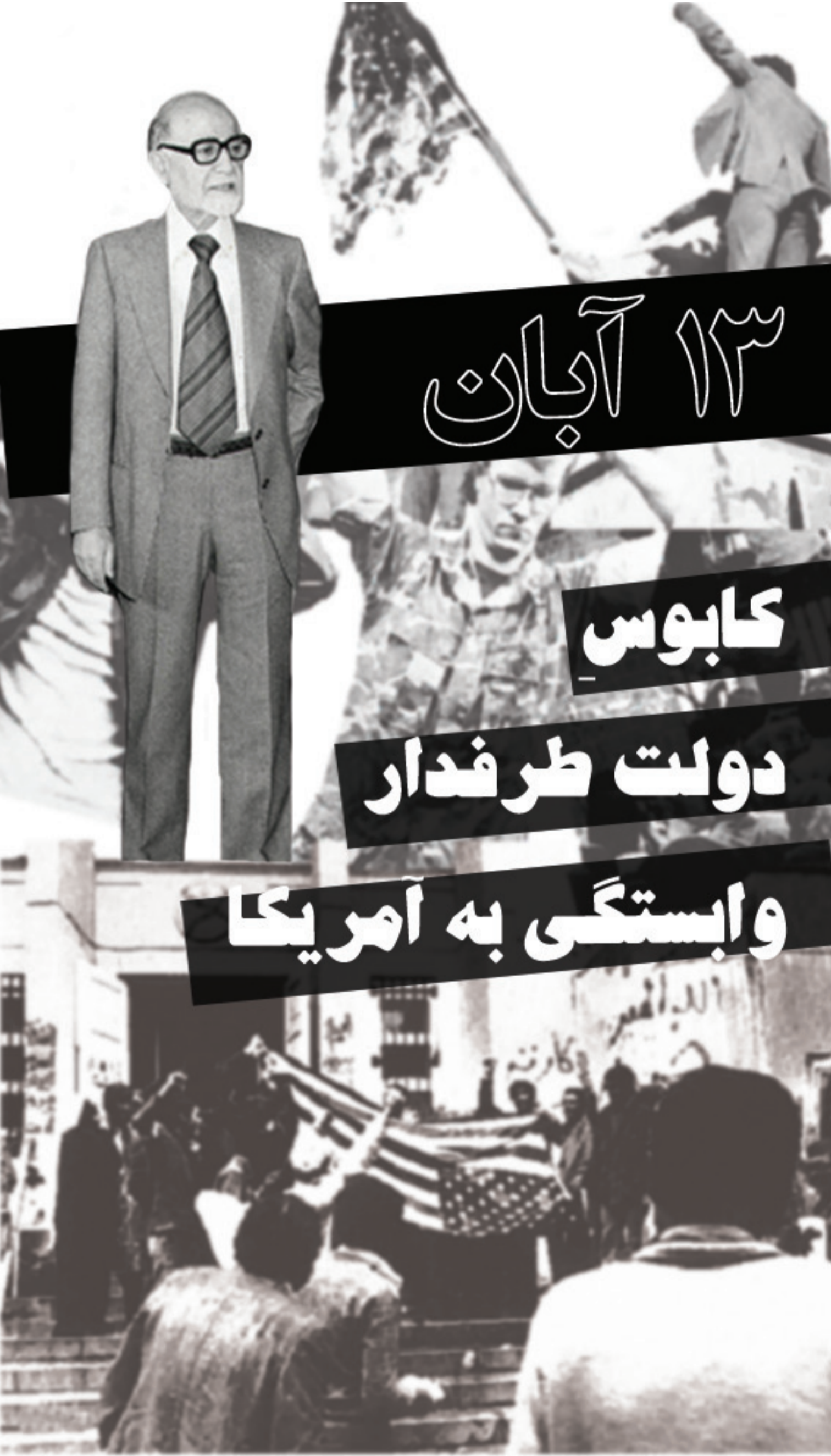
محمدعلی موحّد از قول زیرک زاده – از چهره‌های جبهه ملی – درباره مصدق می‌نویسد: «در تغییر قیافه دادن مهارت خاصی دارد. به‌موقع خود را به کُری می‌زند. عصبانی می‌شود یا قاه‌قاه می‌خندد. حتی اگر بخواهد حالش به هم می‌خورد. مریض می‌شود و غش می‌کند. روزی به من گفت: نخست‌وزیر مملکتی حقیر و بی‌چاره باید ضعیف و رنجور به نظر بیاید و از این هنر در پیش بردن مقاصد سیاسی خود استفاده می‌کرد.» گرچه امروزه خیلی ها تلاش می کنند تا مصدق را مخالف عملکردهای دیکتاتورمآبانه و خشن رضاخان نشان دهند، اما اسناد تاریخی نشان‌دهنده واقعیتی صد درصد متفاوت است. دکتر مصدق در برهه ای که رضاخان به دلیل اعتراضاتی که به وی شده بود، قهر کرده و از حکومت کناره گیری کرده بود و فرصت مناسبی برای جایگزینی حکومتی مردم محور بجای نظامی فاشیستی پدید آمده بود، در صدر هیئتی از سوی مجلس ملی به دیدار وی رفته و این‌چنین به تمجید از این فرد قلدر می پردازد: « نسبت به آقای رضاخان پهلوی، بنده نسبت به شخص ایشان علاقه‌مند هستم و ارادت دارم و درواقع آنچه به ایشان عرض کردم در خیر ایشان و صلاح مملکت بوده و خودشان هم تصدیق عرایض بنده را فرموده‌اند... اما این که ایشان یک خدماتی به مملکت کرده‌اند، گمان نمی‌کنم بر احدی پوشیده باشد.» درحالی‌که رضاخان، با ضرب و شتم، برای بی‌دین کردن مردم حجاب را از سر زنان ایرانی می‌کشید و درحالی‌که مدرس‌ها را ناجوانمردانه به شهادت می‌رساند، مصدق وی را مردی مهربان و خادم مردم می‌خواند: «این‌جانب صلاح نمی‌دانم ... بین شاه و ملت جدائی بیندازیم، آن‌هم چنین پادشاه رثوف و مهربانی که نمی‌خواهد خود را از مردم جدا کند»

مصدق یک هفته پس از واقعه ۳۰ تیر و بازگشت مجدد به نخست‌وزیری و وزارت جنگ، در انتخاب کابینه و مسئولین خویشاوندانی که در میان آن‌ها جاسوس مستقیم انگلیس نیز یافت می‌شد را به مسئولیت های مهم گمارد. دکتر کریم سنجابی از رهبران جبهه ملی و از یاران مصدق دراین‌باره می‌گوید: «... در کابینه اول مصدق، خود او آشکارا به ما می‌گفت: آقا! ما باید از این‌ها برای پیشرفت کارمان استفاده کنیم. یک عده‌ای از افراد را که جزء مبارزان و مجاهدین آزادیخواهی و وطن‌دوستی نبودند و حتی شهرت خوبی هم نداشتند یا مشکوک و متهم بودند به اینکه ممکن است ارتباطی با خارجی‌ها داشته باشند [را] وارد کابینه کرد ...». جبهه ملی حتی در جریان خیزش دینی ملت ایران در ۱۵ خرداد سال ۴۲ درحالی‌که رهبر آن جبهه – مصدق – هنوز زنده بود هیچ عکس‌العملی نشان نداد بلکه این قیام را به‌عنوان یک حرکت ارتجاعی در جریان روبه‌جلوی مندرنسیم پهلوی و روشنفکران داخل در حکومت ارزیابی کرد.

شهید آیت ا.. مدرس درباره مصدق به همین صراحت می‌گوید:«... پایه و کلاس اول سیاست عوام‌فریبی است و من با نبوغ و دهائی که در آقای مصدق السلطنه سراغ دارم یقین دارم که ایشان همیشه در کلاس اول سیاستمداری باقی خواهند ماند.»

اما راجع به مهندس بازرگان، بر اساس متن مصاحبه وی با ساواک می توان گفت که وی از اساس اعتقادی به سرنگونی رژیم پهلوی نداشت و معتقد بود چیزی به نام حکومت اسلامی در دین وجود نداشته و روحانیت توانایی اداره جامعه را ندارد؛ «به نظرات [امام] خمینی ازنظر حکومت اسلامی ایراداتی داشته و گفته‌ام ازنظر مذهب تابه‌حال راجع به حکومت از جانب روحانیون مطلبی عنوان نشده و ازنظر تاریخی تابه‌حال مطرح نبوده است. اگر چنین مسئله‌ای را عنوان می‌کند[سقوط رژیم]، در صورت تحقق چه چیز جانشین حکومت خواهد کرد؟ از طرفی عقیده دارم که روحانیون نمی‌توانند حکومت را اداره کنند»

درست زمانی که مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته و کشور درگیر استقرار نهادهای حکومتی بود، سازمان مجاهدین خلق[منافقین] از این بی سروسامانی اوضاع سو استفاده کرده و اقدام به ترور مردم مظلوم و بی دفاع کوچه و بازار کرد.اما حمایت های وقیحانه مهندس بازرگان حتی در این شرایط از این سازمان تروریستی،حتی داد سیدمحمد خاتمی را نیز درآورد و وی در روزنامه وقت کیهان نوشت: «آقای بازرگان...از کسانی دفاع به عمل می آید که خشن‌ترین شکل آشوب را به‌فرمان رهبران خائن و فراری خود در متن انقلاب ناب و منحصربه‌فرد ایران برپا می‌کنند... امروز آقای بازرگان برآشفته می‌شوند که حتی چرا به اینان آمریکایی می‌گویند آن‌هم به داعیه سخنگویی از سوی موکلین و از تربیون مجلس شورای اسلامی که هنوز در آتش سوگ نمایندگان عزیزی می‌سوزد که به دست همین جوانان پاک‌باز! و نونهالانی که مایه امید مردمی هستند به شهادت رسیدند.»



۱۳ آبان؛ کابوس دولت طرفدار وابستگی به آمریکا

اول بود.

بطوریکه ایشان در روز ۱۴ آبان ۱۳۵۸ طی سخنانی از آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» یاد می کنند و به سفارت آمریکا لقب لانه جاسوسی دادند و اقدام انقلابی دانشجویان را در تصرف این مرکز توطئه و فساد، شدیداً مورد حمایت قرار داد.[۶]

چرا که اسناد مکشوفه نشان می داد که در صورت عدم خلع ید آمریکاییها از کشور و عدم شناخت برخی جاسوسان و مرتبطان داخلی آن گاها دارای مسئولیتهای دولتی مهمی بودند همچون ناصر میناچی (وزیر ارشاد وقت) که در سوابقش مخالفت با شهید مطهری در حسینیّه ارشاد که موجب خروج وی از



حسینیّه ارشاد در آن سال های بحرانی شد، تیمسار مدنی (وزیر دفاع وقت) که در طی دوران وزارتش مدت سربازی را به یک سال کاهش داد و چند دوره سربازی را بخشید که در ادامه باعث تضعیف ارتش که از دلایل تحریک

صدام برای هجوم به کشور بود، گردید. عباس امیرانتظام(سفر ایران در سوند) که برای انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی و تقاضای ارتباط مستقیم با جاسوسان سفارت آمریکا در خارج از ایران مطرح کرده بود و تعدادی دیگر از مسئولان و استانداران دولتی به جرات می توان گفت که اصل ادامه حیات انقلاب اسلامی زیر سوال بود و معلوم نبود تا در چه بازه زمانی ساقط می گردد.

همانطور که در یکی از اسناد مکشوفه جان گریوز(یکی از اعضای سفارت) در نامه ای به روسای خود در واشنگتن برای تضعیف وحدت ملی و هرج و مرج در کشور و سقوط حکومت ایران پیشنهاداتی را مطرح میکند؛ و صراحتاً بیان میدارد که: «من حداقل دو سناریو و برنامه را که می تواند به هرج و مرج در کشور و سقوط تدریجی بینجامد، در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که بر اثر ناراضیاتی های منطقه ای و قومی تحریک شده باشند و اگر به نحوی غلط با این ها برخورد شود، ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردد، تا توده ها به مخالفت با رهبران مذهبی برخیزند. سناریوی دیگر اینکه نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس. هر دو می تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی شود و در نتیجه باعث ناراضیاتی عمومی گردد یا تبدیل به خشونت های افراطی شود»[۷]

استغفای دولت موقت پایان کار نهضت آزادی نبود همانطور که علی اکبر محتشمی پور به آن اشاره می کند: « نهضت آزادی پس از استعفا و برکناری دولت موقت پیوسته در جهت اعلام مخالفت با دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و حتی قوه قضائیه و مغشوش کردن اذهان بوده است؛ مسئولین نهضت با سمپاشی های خود نسبت به سیاست های دولت، دفاع مقدس و جنگ، مسئله برائت از مشرکین و فاجعه خونین مکه مکرمه، جهاد مالی و تصمیمات شورای عالی پشتیبانی جنگ و بالاخره فرمایشات اخیر حضرت امام روحی فاده راجع به حکومت و ولایت مطلقه، در جهت مبارزه و تضعیف نظام جمهوری اسلامی گام برداشته اند» امام خمینی(ره) نیز در پاسخ به این نامه ضمن آنکه این جریان را طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا معرفی می کند، معتقد است که در صورت باقی ماندن بیشتر اعضای نهضت آزادی در قدرت، ملت ما اکنون زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می خورد که قرن ها سربلند نمیکرد.

امام خمینی(ره) در این نامه همچنین تظاهر به اسلام اعضای نهضت آزادی را یکی دیگر از خطرات آنها می داند و بیان می کند: «ضرر آنها به اعتبار اینکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه، جوان های عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تاویل های جاهلانه، موجب فساد عظیم ممکن است شوند که از ضرر گروهک های دیگر حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است.»[۸]

آنچه بررسی تاریخی این واقعه نشان میدهد، یکی از مهمترین دلایل مخالفت امام(ره) با نهضت آزادی و مهدی بازرگان عدم اعتقاد به استقلال کشور و طرفداری از وابسته بودن کشور به آمریکا و عدم اعتقاد به حل مشکلات کشور بدون مذاکره با ایالات متحده است. که چنین سرنوشت تلخی را برای این جریان رقم می زند.

- ۱- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۰، صفحه ۴۸۱
- ۲- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۵، صفحه ۳۱
- ۳- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۵
- ۴- سقوط دولت بازرگان، غلامعلی صفاریان و فرامرز معتمد دزفولی، تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۲، صفحات ۱۵۳-۱۵۷
- ۵- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۱۰، صفحات ۴۱۲ تا ۴۱۳
- ۶- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۱۰، صفحه ۱۲۹
- ۷- اسناد لانه جاسوسی ، جلد ۱-۶، صفحه ۲۹۰
- ۸- صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۰، صفحه ۴۸۱

دکتر صادق زیباکلام در تحلیل شرایط آن روز ایران می گوید: «در سال ۱۳۵۸ همه ما مسحور گفتمان انقلابی بودیم... عدم موفقیت دولت موقت، به عملکرد ضعیف آن برمی گشت... تنها هنر مهندس بازرگان این بود که مرتب می گفت ما استعفا می کنیم.»[۴]

از سوی دیگر حضور افرادی در دولت موقت که با گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها اعتقادی نداشتند بلکه اجرای قوانین اسلامی را نیز زیر سوال می بردند بطوریکه حسن نزیه، سرپرست شرکت نفت در خرداد ۱۳۵۸ می گوید: «اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را می توانیم در قالب اسلامی بسازیم، آیات عظام هم می دانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است و نه ممکن و نه مفید.»

البته سایر اعضای دولت موقت از جمله شخص بازرگان، عزت الله سبحانی و عباس امیر انتظام نیز بارها از تداخل دین و سیاست انتقاد کرده اند.

نحوه مواجه دولت موقت در سیاست خارجی نیز از دیگر مسائلی است که باعث شد با گذشت زمان بین امام(ره) و نخست وزیر دولت موقت اختلاف نظرهای متعددی پدید آید. بطوریکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی سران دولت موقت معتقد بودند که می توان با آمریکا از راه مذاکره سیاسی به توافق رسید. در همین رابطه روز یکشنبه یکم مهرماه سال ۵۸ ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه وقت به منظور شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم آمریکا شد و در جریان ای سفر ۱۷ روزه با سائروس ونس وزیر امورخارجه ایالات متحده وقت آمریکا دیدار می کند که خبر این ملاقات از سوی رسانه های خبری به عنوان نخستین دیدار رسمیت مقامات ارشد دو کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آب و تاب مخابره می گردد.

البته تقارن بازگشت وزیر امور خارجه وقت با تشییع ۲۲ تن از شهدایی که پیکرهایشان در سردهشت به دست ضدانقلاب سوخته بود، مانع از بروز احساسات ضد آمریکایی مردم به صورت جدی در استقبال از ابراهیم یزدی شد. نکته ای که در جای خود حائز اهمیت است اینکه در حالی وزیر امور خارجه دولت به خیال رفع مشکلات و مسائل کشور در سیاست خارجی به دنبال مذاکره و انجام توافقاتی با آمریکایی ها بود که همزمان با بازگشت وی سید محمد صادق طباطبایی، سخنگوی دولت موقت طی مصاحبه ای مطبوعاتی می گوید:

«...سه تن از سفرای ایالات متحده آمریکا که سابقاً در ایران بوده اند، سرپرستی کمیسیونی در سیا را بر عهده گرفتند که مسائل ایران را دنبال می کنند؛ این سازمان علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه می کند و در جهت انجام همین توطئه است که یکی از این سه تن در حال حاضر در کردستان ایران به سر می برند.»

اما در ادامه روند خوشبینی دولتمردان در مذاکره با آمریکا این بار در گامی بالاتر، در روز پنج شنبه ۱۰ آبان ۵۸ و در حاشیه مراسم سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر مهندس بازرگان و ابراهیم یزدی با برزیسکی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید به دیدار و گفتگو پرداختند. و این در حالی بود که سفر محمدرضا پهلوی به آمریکا که تا آن زمان هنوز اجازه ورود وی را نداده بودند، این اقدام از دیدگاه انقلابیون داخلی و به اعتراف ناظران خارجی نیز احتمال مداخله جدی در ایران به منظور بازگرداندن شاه مخلوع به سلطنت و اجرای برنامه های شبیه به ۲۸ مرداد را افزایش داده بود.

از سویی دیگر انجام این مذاکرات همزمان گردید با مواضع متفاوت امام(ره) که طی پیامی در ۱۰ آبان ۵۸ بمناسبت سالروز ۱۳ آبان، کشتار دانش آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان ۵۷ خطاب به دانشجویان و طلاب بیان کردند: «بر دانش آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینیّه است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جانیکار نمایند و این توطئه ی بزرگ را بار دیگر، شدیداً محکوم کنند.... ای جوان هایی که در مقابل توپ و تانک رفتید و خواهرهایی که جوانان خود را از دست داده اید.... حفظ کنید خودتان را، نهضت خودتان را حفظ کنید، ننشینید دیگران برای شما کار کنند، اینها برای شما کاری نمی کنند»[۵]



این پیام باعث گردید تا افکار عمومی متوجه شود که این مذاکرات یقیناً بدون اجازه و هماهنگی با امام(ره) از سوی دولت در حال انجام بوده که این مسئله در کنار برخی ناآرامی ها از قبیل ماجرای کردستان باعث گردید تا دانشجویان مسلمان انقلابی که بعدها با عنوان دانشجویان پیرو خط امام شناخته شدند با هدف رساندن صدای اعتراض ملت ایران به گوش جهانپان به مدت سه چهار روز در صبح روز ۱۳ آبان ۵۸ اقدام به ورود به سفارت آمریکا می کنند که با تماسی که حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی در آخرین ساعات شب آن روز با دانشجویان از طرف امام(ره) و می گوید: امام گفته اند که جای خوبی را گرفتید، دستتان درد نکند، فقط آن را خوب نگه دارید، و مواظب باشید از دستتان در نیاورند.» این اقدام به مدت ۴۴۴ روز به طول می انجامد.

اسناد کشف شده در سفارت که دست آمریکا را در بسیاری از توطئه ها برعلیه انقلاب نوپای ملت ایران افشا کرد، خود حاکی از اهمیت این اقدام دانشجویان و نشان دهنده دلیل بیان حضرت امام(ره) مبنی بر بروز انقلابی بزرگتر از انقلاب

۱۳ آبن ماه همه ساله به عنوان سالروز تسخیر سفارت آمریکا پس از سفر شاه به این کشور از سوی دانشجویان پیرو خط امام(ره) بستری است برای پرداختن به این ماجرا و تحلیل علل و عوامل وقوع این حادثه و همچنین تبیین پیامدهای آن در طول دوران سه دهه و نیم گذشته و خصوصاً تأثیرات عینی آن در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امروز کشور که علی القاعده دیدگاه های متفاوتی را می توان یافت.

هرچند بسیاری از صاحب نظران معتقدند که هر واقعه تاریخی را میبایست در همان بستر زمانی و با تحلیل و تبیین شرایط اجتماعی همان دوره به قضاوت نشست و نقد و به چالش کشیدن هر واقعه تاریخی با عینک امروزی نمی تواند نگاهی درست و اصولی به تاریخ باشد که البته ۱۳ آبان سال ۵۸ و واقعه تسخیر سفارت آمریکا نیز از آن مستثنی نیست.

اما آنچه در این گفتار و به بهانه سالروز این واقعه می خواهیم به آن بپردازیم و شاید کمتر تاکنون به آن پرداخت شده باشد ماجرای استعفا ی دولت موقت پس از تسخیر سفارت آمریکا و علل و عوامل آن است. این دولت که با تعیین نخست وزیری مهندس بازرگان با حکم امام خمینی(ره) فعالیتش را از ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ آغاز و به مدت ۹ ماه تا ۱۵ آبان ۱۳۵۸ مشغول به فعالیت بود به دلایلی که بعداً امام خمینی(ره) از آن به عنوان «طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا»[۱] یاد می کند.

توانایی اداره کشور بدون رابطه سیاسی با آمریکا را در خود ندیده بلافاصله پس از تسخیر سفارت آمریکا خود را در صحنه کنار کشیده و در ۱۴ آبان ۵۸ مهندس



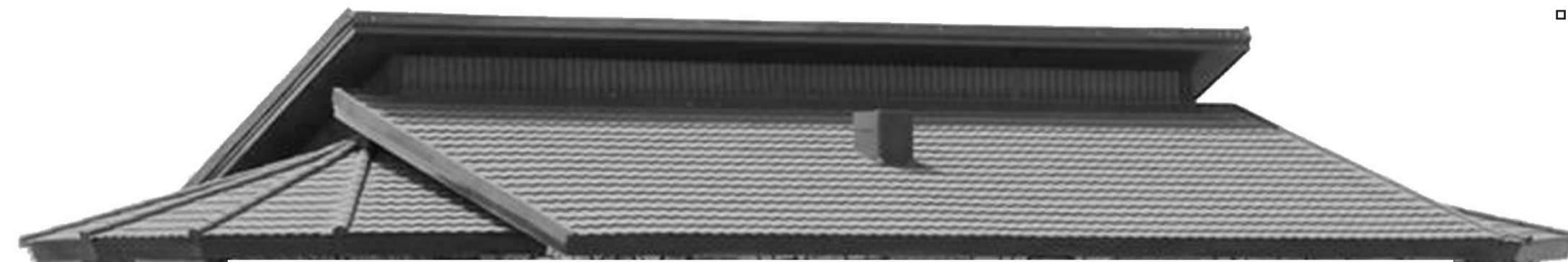
بازرگان استعفا نامه ای را به حضور محترم «حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی دامه برکاته» می نویسد که بلافاصله در فردای آن روز (۱۵ آبان ۵۸) امام خمینی(ره) که آن دوران در قم ساکن بودند با انتشار نامه ای خطاب به «شورای انقلاب جمهوری اسلامی» (و نه شخص نخست وزیر مستعفی) ضمن پذیرش استعفا این شورا را مکلف به انجام امروزی از جمله تهیه مقدمات انتخاب ریاست جمهوری می کند.

اما بررسی تاریخی آنچه کار این دولت را به استعفا و پذیرش سریع استعفا از سوی امام(ره) پس از یک دوره کوتاه ۹ ماهه در کنار حمایت های جدی ای که امام(ره) در ابتدای کار از نخست وزیری مهندس بازرگان داشتند همچون جملاتی از قبیل اینکه: «ملت باید از او اتباع کند و یک حکومت عادی نیست، یک حکومت شرعی است، باید از او اتباع کنند. مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است. قیام بر علیه حکومت شرع جزایش در قانون ما هست، در فقه ما هست و جزای آن بسیار سخت زیاد است. من تنبه می دهم به کسانی که تخیل این معنی را می کنند که کارشکنی بکنند یا اینکه خدای نخواسته یک وقت قیام بر ضد این حکومت بکنند. من اعلام می کنم به آنها که جزای آنها بسیار سخت است در فقه اسلام. قیام بر ضد حکومت خدایی قیام بر ضد خداست، قیام بر ضد خدا کفر است»[۲]، و در ادامه پس از گذشت حدود ۱۰ سال امام(ره) را وادار می کند تا در اعترافی تاریخی بیان کند که: « من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می کنم که بعضی از تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود.

گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمام اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهانخواار قناعت نمی کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادّعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه ها و لیبرال ها می خوریم»[۳]، خود نیازمند بحثی مفصل از آن دوران دارد که در این مطلب به گوشه ای از آنها اشاراتی می گردد.

در ابتدا بد نیست بدانید که مهندس مهدی بازرگان از لحاظ شخصیتی فردی بود «میانه رو» و «محتاط»؛ معتقد به اصلاحات دموکراتیک و سیاست گام به گام؛ و از اقدامات انقلابی استقبال چندانی نمی کرد، و این در حالی بود که جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدیداً از هیجانات فزاینده انقلابی متأثر بود و توده جامعه، اقدامات انقلابی را طلب می نمود.

در چنین شرایطی دولت موقت سعی داشت ساختارهای به ارث رسیده از دوره پهلوی را همچنان حفظ کند و صرفاً افراد عوض شوند، حال آنکه مردم تغییر و درگونی کامل ساختارها و جایگزینی ساختارهایی نوین و متفاوت از گذشته را می طلبیدند.



منم یه خوابگاهی ام

ترم مثل آهو تو برف گیر نکنی و فکرت به سمت تقلب و التماس و گریه و افسوس و حذف پزشکی و...نره.

قبول دارم، مخصوصا آخر هفته ها خیلی دل آدم می گیره و نمی دونی چیکار میشه کرد ولی اصولا جاهای مختلف و مطمئن خوابگاه و دانشگاه کلی برنامه و اردو تفریحی و ورزشی و مذهبی دارن که هم به نسبت کم هزینه هستند، هم سالم؛ تجربه شون کنید عموما خیلی خوش می گذره.

پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «المرء علی دین خلیله و قرینه»، یعنی قرین تو، هم نشین تو، هم اتاقی تو حتی دین تو را مشخص می کنه؛ پس مواظب باش با کی دوست می شی، با کی رفت و آمد می کنی، با کی هم کاسه می شی که رسول خدا (ص) هشدار می ده: «إِيَّاكَ وَصَاحِبَ السُّوءِ فَإِنَّهُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ لَا يَنْفَعُكَ وُدُّهُ وَلَا يَفِي لَكَ بَعْدَهُ؛ از دوست بد پرهیز کن که او پاره ای از آتش است؛ نه دوستی اش برای تو سودی دارد و نه به عهدش

تو خوابگاه معمولا به آدم خوش می گذره، البته اگر غم غربت، بی پولی، هم اتاقی ناسازگار، گرسنگی و شب امتحان اجازه بده. شب امتحان که میشه خوابگاه تغییر کاربری میشه و مثل پادگان نظامی بیدارباش شبانه با استعانت از چای و نسکافه و هات چاکلت و... برقرار میشه. «تغییر را احساس کنیدا!» اینو میشه به خانواده هاتون گفت، هر باری که شما رو می بینند. حتی اگر تو فامیل و در و همسایه دانشجوی خوابگاهی دارید می تونید این تغییر رو قبل و بعد دانشگاه متوجه بشید چرا که عوامل زیادی خودآگاه یا ناخودآگاه رو شما تأثیر میگذاره. مثل هم اتاقی، دوست، رشته، شهر جدید، محیط دانشگاه، دوری از خانواده و... از اینترنت خوابگاه هم می تونی شب تا صبح برای فیلم دانلود کردن و موسیقی گوش دادن و چت کردن استفاده کنی، هم می تونی مقاله بخونی و سرچ کنی و اطلاعات رو افزایش بدی.

یه حقیقتی هست اینه که تو خوابگاه اصولا خیلی وقت آدم هدر میره. چون اگر بخوای بشینی برای تعریف



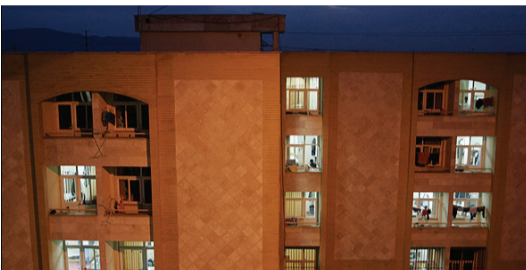
اتفاقای هر روزه و کارایی که سر کلاس بچه ها کردن و حرفای بامزه ای که استادان زدن، بین خودت و حداقل سه چهار تا هم اتفاقیت و تازه بخوای اونا رو تلفنی برا مامانت یا دوستت یا خواهرت تعریف کنی، همه اش تو وقت اضافه باید زندگی کنی.

پس دوستانه ازت میخوام مثل یه دانشجوی فرهیخته یه ذره هم برای خالی نبودن عریضه درس بخون که آخر

شش سال پیش همچین روزایی بود که بنده مفتخر شدم به جرگه خوابگاهی ها بپیوندم. حسهای روزای اول خوابگاهی شدن برای بعضی ها همراه با ترس و دلتنگیه و برای بعضی ها مثل من هیجان و ماجراجویی. بعضی ها هفته اول فقط گریه می کنند و دنبال انتقالی و انصراف و... می گردند، بعضی ها هم دنبال جاهای تفریحی و کلاس زبان خوب و سینما تو شهر جدید هستند.

غم غربت روزای اول خیلی ها رو میگیره و با بروز یه مسئله خیلی کوچیک سریع تصویر مهربان مادرشون تو ذهنشون نقش می بنده.

منم مثل شما خوابگاهی بودم با کلی خاطرات تلخ و شیرین



اما انصافا مال من تلخیش خیلی کم بود. خوابگاهی که باشی تازه میفهمی فرهنگ یعنی چی؟ می فهمی چقدر با بقیه تفاوت داری؟ می فهمی صدا و سیما جز یاشاسین آذربایجان و لباس ترکمنی و آش دوغ و آهنگ بندری هیچ اطلاعات راجع به فرهنگ هم وطنانت بهت نداده.

اولش رفتار قومیت های دیگه برات عجیب به نظر می رسه. دچار شوک فرهنگی شدن موقع وارد شدن به هر مکان جدیدی پدیده رایجیه. اما کم کم با محیط سازگار می شی.

زندگی توی خوابگاه اول آدم رو به سمت فردگرایی سوق میده! اما هر چی می گذره امکان اینکه کمون اولیه اشتراکی مارکس رو محقق کنی بیشتره. یعنی منظورم اینه که اولش خیلی برای خودت خط کشی می کنی که اینجا محدوده منه، این طبقه از یخچال مخصوص منه، کسی حق نداره از ظرف های من استفاده کنه، دوست ندارم کسی تو کارم سرک بکشه و به وسایل شخصیم دست بزنه و... اما احتمال اینکه با گذشت زمان مال «من» بشه مال «ما» و مال اتاق زیاده. اینجوری زندگی خوابگاهی هم برات دل نشین تر میشه.

جمعی از دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان در اعتراض به مختلط شدن سرویس های حمل و نقل دانشگاه تجمع کردند. در این تجمع دانشجویان با در دست داشتن دست نوشته هایی همچون «عفت با اختلاط سازگار نیست»، «از کلاسمان زدیم تا ارزش هایمان را پس بگیریم» و جملاتی از رهبر انقلاب اعتراض خود را به این تصمیم مسئولان دانشگاه نشان دادند. یکی از دانشجویان در این تجمع با اشاره به این تصمیم مسئولان گفت: تیم مدیریتی جدید دانشگاه با محوریت ع- ح، معتقد به فعالیتهای عمیق فرهنگی نیستند و بیش از هر چیز فضای دانشگاه با فعالیتهای سیاسی عجین شده است. شنیده شده است طی این مدت چندین مشاجره بین دانشجویان دختر و پسر شده است.

تازه های صنفی و آموزشی

دکتر حسن به نژاد، معاون دانشجویی دانشگاه تهران اخیرا در گفتگویی با اشاره به برآورده کردن مطالبات دانشجویان در امر خوابگاهی گفت: در مجموع صد تخت برای دانشجویان روزانه دختر و پسر اضافه کردیم و توانستیم تمامی دانشجویان روزانه متقاضی خوابگاه و بخشی از دانشجویان شبانه دختر را اسکان دهیم. سال گذشته شرایط بسیار سختی در خوابگاهها حاکم بود، بسیاری از ساختمانها گنجایش لازم را نداشت که ما افزایش دادیم. برقراری توازن بین اتاقها به لحاظ جمعیتی، تغییر کاربری برخی اتاقهای اداری در خوابگاهها به محل اسکان و در واقع حذف کاربریهای اداری از کوی دانشگاه، بخش مهمی از فعالیت معاونت دانشجویی در بخش خوابگاهها طی یکسال اخیر بوده است و هم اکنون نیز فرآیند اسکان به اتمام رسیده است.

مشکلات دانشجویان خوابگاهی دانشگاه تهران رسیدگی شد؟

تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد در اعتراض به افزایش شهریهها

مدتی است که ماجرای جشن جدیدالورودهای دانشگاه یزد(صفری شورون) با واکنش هایی متفاوتی همراه شده است، جشنی که بیشتر آن را به مراسم تحقیر دانشجویان عنوان می کنند. اما در آخرین موضع معاون فرهنگی این دانشگاه گفته است: این مراسم به صورت رسمی نبوده و دانشگاه هیچگونه مجوزی برای برپایی این مراسم صادر نکرده است. دانشگاه یزد در حال بررسی موضوع و شناسایی عوامل اصلی برگزارکننده این مراسم است که در صورت شناسایی، برخورد با آنها طبق قوانین و مقررات کمیته انضباطی خواهد بود. به زودی و پس از بررسی کمیته انضباطی، نحوه برخورد و توبیخ با عوامل این موضوع اعلام می شود.

دانشجویان دانشگاه آزاد بار دیگر در اعتراض به افزایش شهریههای تحصیلی مقابل واحد دندانپزشکی این دانشگاه در تهران تجمع کردند.گفتنی است دانشجویان حاضر در این تجمع پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن شعارهایی مانند «افزایش داوزده میلیون ریالی شهریه در یک روز، دولت: تورم را تک رقمی می‌کنیم! دانشگاه آزاد: هر سال ۱۵درصد افزایش شهریه، شهریه صعودی امکانات نزولی، شهریه ثابت. ثابت باید بماند» نوشته شده بود. یکی از دانشجویان معترض حاضر در این تجمع دانشجویی گفت: همانطور که در تجمع قبلی هم گفته بودیم تا زمانی که به مشکلات ما رسیدگی نشود ما به اعتراض خود ادامه خواهیم داد. از این پس نیز هر هفته به خاطر افزایش شهریههای دانشگاه آزاد با برگزاری تجمع اعتراض خود را به گوش مسئولان خواهیم رساند.

میده. تو یه کلام میشه گفت خودتی و خدای خودت. ظاهرا کسی به رفتارت نظارت نمی کنه، کسی بهت تذکر نمیده، کسی مراقبت نیست که یه وقت خطایی نکنی و... اما خوابگاه و شهر غریب هم مثل جاهای دیگه محضر خداست؛ می تونی از خوابگاه برای خودت غار حرا بسازی یا عزلت کده، تفرج گاه یا استراحت گاه یا عبادت گاه، کتابخونه یا عشرت کده یا... مختاری! خود دانی! ... نظارت بیرونی تقریبا روت نیست اما خدا نظارت درونی رو برای



یه همچین وقتایی گذاشته دیگه، مگه نه؟

سعی کن از هر فرهنگی قسمتای خوبشو انتخاب کنی، آداب و رسوم خوب و غذاهای خوشمزه و هنرهای زیبا و لهجه شیرین و خلق و خوی پسندیده هر فرهنگ و شهر و قومیتی رو یاد بگیر. یه فرصت استثنایی برای رشد و افزایش مهارت های زندگی و درس خوندن با هم و تجربه کسب کردن و هم زیستی مسالمت آمیز فراهم شده، پس قدرش رو بدون که «فرصت ها خیلی زود از دست می روند و خیلی دیر باز می گردند.»

دانشگاه آخر راه نیست. تو به ته آرزوهات نرسیدی. تو تازه رسیدی به دامنه کوه. خیلی راه دیگه مونده. اگر خوابگاهی هم باشی که دیگه واقعا یه زندگی جدید رو آغاز می کنی.

فکر نکن دیگه کارت بیسته. دیگه همه تلاش هات، همه برنامه ریزی هات، همه سختی کشیدنی هات تموم شده. اونا دست گرمی بودند. اینجا از همین روزای اول باید برنامه ریزی کنی، تلاش کنی، مطالعه کنی، سختی بکشی، دانش بجویی و... که آینده در انتظار توست. تو باید ایران رو بسازی...

تماس با ما

خبرنامه دانشجویان ایران، آمادگی دارد؛ فعالیت های شما را پوشش خبری داده و مشکلات صنفی دانشجویی و مطالبات شما را به گوش مسئولین برساند.

برای این منظور کافی است با ما تماس بگیرید:

۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰۰۲۱۸۸۹۱۵۴۵۷

info@iusnews.ir

۵۰۰۰۱۳۸۸

همچنین می‌توانید با حضور در کانال رسمی خبرنامه دانشجویان ایران در تلگرام از آخرین اخبار دانشجویی اطلاع یابید، تنها کافی است با استفاده از کیو آر کد (QR CODE) زیر به ما پیوندید

